**مردان تهرانی بالای 20 سال 2 برابرزنان به بیماری عروق کرونرمبتلا می شوند**

**تهران - ایرنا - محقق پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی گفت: مطالعه چندین ساله در قالب مطالعه قند و لیپید تهران نشان می دهد که میزان بروز بیماری های عروق کرونر در مردان تهرانی بالای 20 سال حدود 2 برابر زنان است.**



مطالعه قند و لیپید تهران که نزدیک به 20 سال اطلاعات یک جمعیت 15 هزار نفری از شرق تهران را جمع آوری کرده، بستر مناسبی است تا بتوان با استناد به آن یک الگوی ملی را برای ارزیابی وضعیت جامعه ایرانی فراهم کرد.
به گزارش روز یکشنبه گروه علمی ایرنا از پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دکتر عذرا رمضانخانی، از مجریان این مطالعه افزود: مطالعه ای تحت عنوان ' نگاهی نو به الگوهای خطر مربوط به بروز بیماری عروق کرونر قلب' با استفاده از روش های آماری نوین انجام شده که نشان می دهد کدام گروه از جامعه بیشتر در معرض خطر ابتلا به بیماری های قلبی عروقی هستد و لازم است بیشتر از خود مراقبت کنند.
وی افزود: این پژوهش بر مبنای یک مطالعه 12 ساله صورت پذیرفته که نشان می دهد میزان بروز بیماری های کرونر در مردان بالای 20 سال حدود 2 برابر زنان است که باید اقدامات جدی برای رفع آن انجام گیرد.
رمضانخانی اشاره کرد که علاوه بر افزایش سن، در بین عوامل ایجاد کننده بیماری های قلبی، فشار خون بالا و افزایش کلسترول، بیش از سایر عوامل در مردان ایجاد خطر می نماید. در حالیکه در زنان، در کنار افزایش سن، قند خون بالا بیش از سایر عوامل ایجاد خطر می نماید.
این محقق خاطر نشان کرد: گرچه افراد نباید سایر عوامل زمینه ساز بروز بیماری های قلبی عروقی، نظیر چاقی، مصرف دخانیات و کم تحرکی را نادیده بگیرند، ولی تعدادی از عوامل در گروه های سنی و جنسی خاص خطرات بیشتری را اعمال می نمایند.
وی بر مراقبت بیشتر مردم و نیز توجه خاص مسئولین و سیاستگزاران بهداشت و سلامت جامعه به گروه های در معرض خطر تأکید کرد.
بیماری های قلبی عروقی بیشترین میزان مرگ و میر را در جمعیت ایرانی به خود اختصاص داده و این واقعیتی است که سالهاست تکرار می شود. با توجه به افزایش دانش عمومی، عواملی که باعث ابتلاء به این بیماری ها می شوند، تقریباً توسط عموم افراد جامعه شناخته شده اند. ولی آیا آنچه در جامعه ما رخ می دهد، کاملاً منطبق با جوامع غربی است و آیا الگوی معرفی شده توسط کتب مرجع قابل تعمیم به مردم کشور ما هست؟